



**Thematic Analysis, an Approach to the Analysis of Verse and Prose Texts in
the Course "Gnostic Order 1" of the Persian Language and Literature
Field of Farhangian University (A Case Study of Sheikh Sanan)**

Mohamad Paknahad^{*1}, Ali Najafi²

1. Faculty member, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, postal
box: 14665-889, Tehran, Iran

2. Faculty member, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Postal
box: 14665-889, Tehran, Iran

ABSTRACT

One of the courses that students take in the field of Persian language and literature at Farhangian University is the course "Gnostic Order 1" which includes two gnostic works of Manteq al-Tayir and Hadiqah al- Haghqiqat. A part of the syllabus of Manteq Al-Tir's is about the analysis of Sheikh Sanan's story. The purpose of this research is to use thematic analysis as an approach to analyze the verse and prose texts of the gnostic order 1 of the Persian language and literature department of Farhangian University. The subject of this research is the text of the story of Sheikh Sanan in Attar Neishabouri's Manteq Al-Tir which has been examined by the census method of the entire text of the story. The analysis of the themes of the story is to reach the general themes of the texts so that the teacher in the teaching-learning process can convey the form and content to the audience and create a deep understanding of the text; because the amount of lesson topics and the time allocated to them are not very proportional. This research was done using thematic analysis in an inductive way. The data was collected through reading the text and after creating the initial codes, themes were searched, reviewed and finally, the main and central themes were named. In total, all codes were placed under the seven main themes: relying on piety, God's judgment, the existence of obstacles in human life, faith, the scourge of love, reaching the position of trust and God's grace. Each of these themes was obtained by combining and reviewing selected themes. Among the main themes of the story, most of the themes are devoted to love and the woes of love. As a result, you cannot rely on piety and knowledge in the Tariqat, and God's judgment is lurking every moment, and His grace will be benefited through repentance, supplication, and intercession.

Keywords:

- . Gnostic order
- . analysis of prose and
verse texts
- . teaching Persian
language and literature
- . Sheikh Sanan
- . Manteq al-Tayr

Corresponding author:
mpak5152@cfu.ac.ir

Citation (APA): Paknahad. M , Najafi. A. (2024). Thematic Analysis, an Approach to the Analysis of Verse and Prose Texts in the Course "Gnostic Order 1" of the Persian Language and Literature Field of Farhangian University (A Case Study of Sheikh Sanan). *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 9(1), 37-68.

<https://doi.org/10.48310/tpd.2024.13137.1558>

Received: 2023/12/05

Revised: 2024/06/16

Accepted: 2024/07/22

Published online: 2024/03/20



Publisher: Farhangian University

© The Author(s).

Article type: Research Article



فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم



شاپا الکترونیکی: ۲۴۷۶-۵۶۱۹

شاپا چاپی: ۲۴۷۶-۵۶۰۰

تحلیل مضمون، رویکردی جهت تحلیل متون منظوم و منثور در درس «نظم عرفانی ۱»

رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان

(مطالعه موردی داستان شیخ صنعان)

محمد پاک نهاد^{۱*}، علی نجفی^۲

۱. عضو هیأت علمی گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۱۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران

۲. عضو هیأت علمی گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۱۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران

چکیده

یکی از دروسی که دانشجویان در رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فرهنگیان می‌گذرانند درس «نظم عرفانی ۱» است که دو اثر عرفانی منطق الطیر و حدیقه الحقیقه را دربرمی‌گیرد. بخشی از سرفصل‌ها که به منطق الطیر برمی‌گردد درباره تحلیل داستان شیخ صنعان است. هدف از این پژوهش، استفاده از تحلیل مضمون به‌عنوان رویکردی جهت تحلیل متون منظوم و منثور در نظم عرفانی ۱ رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان است. جامعه این پژوهش، متن داستان شیخ صنعان در منطق الطیر عطار نیشابوری است که به روش سرشماری کل متن داستان، بررسی شده است. تحلیل مضامین داستان مزبور، برای رسیدن به مضامین کلی متون است تا یاددهنده در فرایند یاددهی-یادگیری بتواند صورت و محتوا را به مخاطبان منتقل و درک عمیقی نسبت به متن ایجاد نماید؛ چرا که حجم سرفصل‌های درس و زمانی که به آن‌ها اختصاص داده شده است، خیلی با هم متناسب نیستند. این تحقیق با روش تحلیل مضمون به شیوه استقرایی انجام گرفت. داده‌ها از طریق مطالعه متن، گردآوری و پس از ایجاد کدهای اولیه، مضامین، جست‌وجو، بازبینی و درنهایت، مضامین اصلی و محوری نام‌گذاری شد. در مجموع، همه محورها ذیل هفت محور اصلی: تکیه بر تقوا، قضای خداوند، وجود عقبه در زندگی انسان‌ها، ایمان، بلای عشق، رسیدن به مقام توکل و فضل خداوند قرار گرفت. هرکدام از این محورها در ترکیب و بازبینی مضامین گزینشی به‌دست آمد. در میان مضامین اصلی داستان، بیشترین مضامین به عشق و بلای عشق اختصاص یافته است. نتیجه اینکه در طریقت نمی‌توان به تقوا و دانش تکیه نمود نیز قضای خداوند هر لحظه در کمین است و فضل او به‌وسیله توبه و تضرع و شفاعت، دست‌گیر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی:

نظم عرفانی
تحلیل متون منظوم و منثور
آموزش زبان و ادبیات فارسی
شیخ صنعان
منطق الطیر

نویسنده مسئول:

mpak5152@cfu.ac.ir

استناد به این مقاله: پاک نهاد، محمد، نجفی، علی. (۱۴۰۳). تحلیل مضمون، رویکردی جهت تحلیل متون منظوم و منثور

در درس «نظم عرفانی ۱» رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان (مطالعه موردی داستان شیخ صنعان).

توسعه حرفه‌ای معلم. ۱۹(۱). ۳۷-۶۸.

DOI: 10.48310/tpd.2024.13137.1558

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

کسب نتایج مفید در پژوهش‌های کیفی، با استفاده از ابزارهای تحلیلی، ثبت نظام‌مند و تبیین روش‌های تحلیل، امکان‌پذیر است. این موضوع یکی از مشکلات محققان، بخصوص محققان علوم انسانی در به کار بردن و استفاده از روش‌های کیفی است (Attride-Stirling 2000). تحلیل مضمون، یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است که در اغلب روش‌های تفسیری و تحلیلی به کار می‌رود؛ روش‌هایی مثل تحلیل روایت، تحلیل نشانه‌شناختی، مطالعات پدیدارشناسی و داده‌بنیاد و... به نوعی در ابتدای امر از این روش کمک می‌گیرند. به دیگر سخن «به دلیل استخراج متن و الگوسازی معنایی، اهداف پارادایم‌های تفسیری و تأویلی را برآورده می‌سازد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۳ به نقل از: مسلمی و خنیفر، ۱۳۹۸، ج ۱: ۵۲) تحلیل مضمون معادلی است که برای "Thematic Analysis" انتخاب شده است. می‌توان گفت معادل فارسی مضمون «درون مایه» است. مضمون، دیدگاه نویسنده درخصوص موضوعی است که در پی القای آن به مخاطب است (مسلمی و خنیفر، همان ۵۱). این روش در کمترین حالت مجموعه داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی کرده و شرح می‌دهد. چنانکه اشاره شد همچنین از این حد، فراتر می‌رود و جنبه‌های مختلف موضوع را تفسیر می‌کند؛ به پژوهش‌گر اجازه می‌دهد که به جست‌وجوی تم‌های آشکار و پنهان پرداخته و سپس آن‌ها را تفسیر کند؛ به همین دلیل در عین اینکه یک روش پژوهشی مستقل است به‌عنوان پایه ورودی برای سایر روش‌های تفسیری است که حتی به سمت ساخت نظریه و ارائه مدل حرکت می‌کند (همان: ۵۳). در مجموع باید گفت این روش یعنی تحلیل مضمون به دنبال این است که «داده‌ها چه می‌گویند» و در پی آن است تا از این داده‌ها الگویی بیابد.

تحلیل مضمون می‌تواند به‌عنوان رویکردی در جهت فهم عمیق و درک کامل برای متون نظم و نثر فارسی یا هر زبان دیگری به کار گرفته شود؛ چرا که این روش یکی از روش‌های پژوهشی و از زمره روش‌های کیفی است که منجر به تفسیر و تدبر و تحقیق عمیق در موضوع می‌گردد و حتماً از نظرات سایرین به شکل‌های مختلف مثلاً نظرخواهی و مصاحبه استفاده می‌کند. باید دانست این روش روشی انعطاف‌پذیر، آسان، قابل یادگیری سریع و قابل انجام برای پژوهشگران کم‌تجربه است و اگر در دوره‌های کارشناسی ارشد جهت تجربه‌آزمایی دانشجویان کم‌تجربه به کار گرفته شود قدمی مؤثر و روش‌مند در راستای پژوهش خواهد بود. زیربنای اصلی این روش، مفهوم‌سازی و کدگذاری متنی است که قرار است مطالعه گردد. «هدف از کدگذاری، شکستن و از هم گسستن داده‌ها و جای‌گذاری و ترتیب‌بندی دوباره آن‌ها در دسته‌هایی است که مقایسه بین مفاهیم را آسان‌تر کرده و به ایجاد مفاهیم نظری کمک می‌کند. نحوه دیگر تحلیل داده‌ها از طریق دسته‌بندی، چینش آن‌ها به‌عنوان زیرمجموعه موضوعات و مسائل کلی‌تر می‌باشد» (مکسول، ۱۳۹۷: ۲۲۰).

یکی از واحدها و سرفصل‌های درسی دانشجومعلم‌ان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی درس «متون نظم عرفانی» است که در قالب دو واحد ارائه می‌شود. این درس دو متن حدیقه

سنایی و منطق الطیر عطار را در بر می‌گیرد. آنچنانکه از سرفصل درس برمی‌آید لازم است عرفان و تصوف و عارفان نامی معرفی گردد؛ حدیقه سنایی معرفی و ساختار محتوایی و زبانی آن بررسی گردد؛ بخشی از تمثیلات و داستان‌های حدیقه بازنویسی شود و در عین حال حکایت‌هایی نیز خوانده شود. در متن منطق الطیر، لازم است عطار و آثار وی معرفی گردد؛ ساختار محتوایی و زبانی منطق الطیر بررسی و تحلیل شود؛ داستان شیخ صنعان به صورت مستقل خوانده و نقد و تحلیل گردد؛ داستان اصلی منطق الطیر فارغ از حکایات فرعی، توسط دانشجویان بازنویسی شود و در عین حال، متون و بخش‌هایی از آن در کلاس خوانده شود.

با توجه به حجم دو کتاب مزبور و فعالیت‌های عملکردی که دانشجویان چه در کلاس چه خارج از کلاس باید انجام دهند و در عین حال، فرصت اندکی که برای تدریس و آموزش وجود دارد، اگر روش آموزش درست به کار گرفته نشود و طراحی درستی از سوی استاد صورت نگیرد، اهداف درس و سرفصل آن بر زمین می‌ماند و ارائه درس ناقص و ابتر خواهد شد؛ بنابراین، مسئله اینجاست که چگونه می‌توان در فرصت اندکی که در طول یک نیمسال در اختیار استاد درس وجود دارد اهداف درس محقق شود؟

چنانکه پیداست یکی از سرفصل‌های درس، مطالعه و خواندن مستقل داستان شیخ صنعان به کمک دانشجویان و نقد و تحلیل آن است که حدود پانصد بیت را به خود اختصاص داده است. این ابیات بخشی از محتوای «متون نظم عرفانی ۱» است؛ بنابراین لازم است به جهت پرداختن به سایر متون درس، این داستان توسط دانشجویان خوانده و مضامین آن در کلاس درس مطرح و نقد و تحلیل شود. چنانکه خواهد آمد اگرچه تحقیق‌های بسیاری درباره شیخ صنعان نگاشته شده است اما هیچکدام نه با روش تحلیل مضمون، به مضامین اصلی داستان اشاره نموده‌اند نه در راستای آموزش درست سرفصل‌ها - با توجه به زمان اندک هر نیمسال - هستند. با روش به کاررفته در این تحقیق قطعاً گامی مؤثر در آموزش متون نظم عرفانی برداشته و اهداف درس نیز محقق می‌شود؛ چرا که بنا به گفته ای. برتلس: «داستان شیخ صنعان دارای مفهومی بس عمیق است و این منظومه گذشته از ارزش بلند ادبی آن، اساس تصوف به شمار می‌رود (۱۹۲۸: ۵۴).

داستان شیخ صنعان، طولانی‌ترین داستان منظومه منطق الطیر است که عطار در ۴۱۰ بیت آن را روایت کرده است. بسیاری از محققان از جمله مجتبی مینوی و بدیع الزمان فروزانفر، آن را برگرفته از کتاب تحفه الملوک غزالی می‌دانند هرچند در انتساب این کتاب به غزالی مردد هستند ولی معتقدند که عطار نیشابوری این داستان را از تحفه الملوک اخذ نموده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱۸۱-۱۸۳). تقی پورنامداریان (۱۳۸۲: ۲۴۹) نیز در مقاله‌ای براساس شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار از بدیع الزمان فروزانفر، این داستان را تحت تأثیر همان کتاب می‌داند و می‌افزاید که عطار فقط توصیف‌های شاعرانه‌ای بر آن محتوا افزوده است، اما شفیعی کدکنی برخلاف سایرین اثبات می‌کند که مؤلف کتاب تحفه الملوک دو قرن بعد از غزالی و یک قرن بعد از منطق الطیر عطار می‌زیسته است

و می‌توان قضیه را برعکس کرد؛ یعنی اینکه تحفه الملوک تحت تأثیر منطق الطیر بوده‌است (شفیعی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

قبل از اینکه خلاصه داستان آورده‌شود باید گفت: «بن‌مایه اصلی این داستان، چند جمله نیست: پیری بسیار زاهد و دین‌دار و صاحب کمال و خوش‌نام، دل به دختری ترسا می‌بندد و در راه عشق او تا اسفل السافلین درکات کفر و ضلالت، بی‌پروا از ملامت خلق و حتی مریدان جانباز خود، فرو می‌رود تا سرانجام، حق، که خود، او را به این ورطه مبتلا کرده‌است نجاتش می‌دهد (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۲۵۴).

خلاصه داستان شیخ صنعان: شیخ صنعان، حج‌های بی‌شماری به‌جا آورده و سال‌ها معتکف کعبه بوده‌است؛ پیری صاحب‌کمال، اهل علم و عمل، متعبد و زاهد و صاحب‌کرامت و صاحب مریدان بسیار است. با اینکه سال‌ها معتکف کعبه و «قدوة اصحاب» بوده‌است چندین شب پشت سرهم در خواب می‌بیند که کعبه را وانهاد و مقیم سرزمین روم شده است و بتی را پیوسته سجده می‌کند. احساس می‌کند عقبه‌ای دشوار برای وی پیش آمده‌است و ناچار است راه روم را در پیش‌گیرد. به همراه چهارصد مرید خود، راه روم را در پیش می‌گیرد. سر تا پای روم را پشت سر نهادند تا اینکه دختری ترسا را بر سر منظری می‌بیند که هم صاحب‌کمال بود و هم صاحب‌جمال؛ آنچنانکه وقتی برقع از چهره بر گرفت «بند بند شیخ در آتش گرفت».

عشق دختر کرد غارت جان او کفر ریخت از زلف بر ایمان او
(منطق الطیر، ۱۳۳۷)

عشق بر دل شیخ چیره گشت و هرچه مریدان وی را پند دادند تأثیری نداشت. شیخ یک‌ماه بر آستان دختر ترسا آه و زاری نمود اما دختر، خود را به ندانستگی زده بود. وقتی زاری شیخ را دید پرسید: «ای شیخ از چه گشتی بی‌قرار» شیخ با عجز و نیاز راز عشق خود را به دختر ابراز نمود؛ گفت دختر گر تو هستی مرد کار چار کارت کرد باید اختیار سجده کن پیش بت و قرآن بسوز خمر نوش و دیده از ایمان بدوز
(منطق الطیر، ۱۳۴۹-۱۳۵۰)

شیخ، خمر اختیار کرد به این امید که ساده‌ترین کار است اما هنگامی که شراب را نوشید دختر ترسا گفت اگر در عشق محکم هستی باید همچون زلفم قدم در راه کافری نهی و شیخ از فرط عشق اظهار آمادگی کرد و گفت اگر معشوق بخواهد «پیش بت، مصحف بسوزم مست مست».

چون به ترسایان خبر رساندند که شیخ، دین آنان را برگزیده است او را به دیر بردند تا زناز ببیند. شیخ، زهد و خرقه و کعبه را از یاد برد و خواهان وصال دختر ترسا شد اما از آنجا که زر و سیمی ندارد حاضر است به درخواست دختر خوک‌بانی کند. شاگردان به درخواست شیخ نومیدانه باز می‌گردند و راه کعبه در پیش می‌گیرند. وقتی مریدی از مریدان که همراه آنان نبوده است از بازگشت مریدان آگاه می‌گردد آنان را سرزنش می‌کند که چرا در زنازستن، شیخ خود را همراهی

نکرده‌اند و همچون وی آیین ترسا را برنگزیده‌اند. بار دیگر به روم باز می‌گردند و پنهان از شیخ در گوشه‌ای معتکف می‌گردند و برای نجات شیخ دست به دعا می‌شوند و شفاعت می‌طلبند. سرانجام تیرشان به هدف می‌نشیند. صبحدم، بادی مشک‌بار می‌وزد و جهان کشف بر دل وی آشکار می‌شود؛ آنگاه پیامبر (ص) را می‌بیند که در جلوه‌ای زیبا و تبسم‌کنان به سوی وی می‌آید و مرید را مژده می‌دهد که «رو که شیخت را برون کردم ز بند» و غباری که بین او و حق بود با شفاعت خویش برداشتم؛ حال، توبه جای گناه را گرفته‌است. مریدان شیخ، بسیار خوشحال و مدهوش شدند و نعره‌ای زدند. وقتی به مکان شیخ رفت که در آنجا خوک‌بانی می‌کرد بی‌قراری شیخ را مشاهده کرد که زنار را گسسته و دل از ترسایی خالی نموده‌است در حالی که همه شادمان بودند و شیخ نیز از شفاعت رسول اکرم (ص) بار دیگر کفرش برخاسته و ایمانش نشسته بود. غسلی کرد سپس خرقة را پوشید و به سوی حجاز به راه افتادند.

دختر ترسا در خواب دید که آفتاب در کنارش افتاده است. آفتاب، زبان باز کرد و گفت در پی شیخ خود روان شو؛ حال که او را پلید کرده‌ای و از راه برده‌ای، در راه او درآی و او را همراهی نمای؛ دختر از خواب برخاست و نعره‌زنان در پی شیخ افتاد. خبر آوردند که دختر ترسا از راه رسیده‌است و حیران و سرگشته تو را می‌جوید. وقتی شیخ سراغ دختر را گرفت بار دیگر شوری در میان مریدان افتاد. چون دختر ترسا شیخ خود را بدید غش کرد؛ چون وفای شیخ را دیده بود از وی اسلام خواست. شیخ اسلام را بر وی عرضه کرد؛ غلغله‌ای در یاران افتاد؛ دختر اظهار بی‌طاقتی کرد و نیم-جانی که داشت بر جانان فشانند و شیخ عالم را وداع کرد.

آنچه نقل شد خلاصه‌ای از روایت عطار نیشابوری از شیخ صنعان است که با زبانی شیوا و روان بیان نموده است (منطق‌الطیر، ۱۱۹۰: ۱۳۹۲-۱۶۲۵)

درباره پیشینه پژوهش باید اشاره کرد که با استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای و تارنماهای مجلات مختلف، آثاری که به تحلیل داستان شیخ صنعان پرداخته‌اند جست‌وجو و بررسی شد. واقعیت این است که اگرچه تحقیقات گسترده و کثیری درباره نقد و تحلیل آثار عطار نیشابوری، از جمله داستان شیخ صنعان انجام‌یافته، ولی به‌ندرت پژوهش‌هایی دیده می‌شود که در تحلیل مضامین یا مضمون و هدف اصلی داستان مزبور باشد. با وجود این آثار، پژوهش‌های ذیل به موضوع و مقصود مقاله حاضر نزدیک و مرتبط است که می‌تواند پیشینه‌ای برای پژوهش حاضر باشد. ناگفته نماند این پیشینه قصد ندارد منابع مربوط به تحلیل مضمون را به‌عنوان یک روش پژوهش بکاود بلکه قصد بر این است تا نمونه‌های مربوط، به‌عنوان موضوع جست‌وجو گردد:

یکی از این پژوهش‌هایی که حکایت شیخ صنعان را تحلیل نموده‌است مقاله‌ای است با عنوان «تحلیل استعاره‌های مفهومی «عشق» در حکایت شیخ صنعان» که در فصلنامه علمی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی در شماره ۶۸ آن مجله به چاپ رسیده است؛ امید وحدانی فر و صفورا انتظاری، نویسندگان مقاله، نشان می‌دهند که عطار برای بازنمایی عشق در حکایت مزبور، از انواع استعاره‌های

مفهومی بهره برده است. استعاره‌های خرد به کاررفته در روساخت این حکایت، دارای زیرساختی پایه‌ای به نام «عشق عرفانی» هستند که آن‌ها را انسجام می‌بخشند. کلان‌استعاره‌های موجود در این حکایت نیز از نظر بسامدی، در سه گروه: هستی‌شناختی، جهتی و استعاره ساختاری، قرار می‌گیرند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که «خداوند عشق است» مرکزی‌ترین استعاره موجود در حکایت استعاره کلان است که تمام استعاره‌های خرد در تکامل این استعاره به کار رفته است (وحدانی فر و انتظاری، ۱۴۰۱: ۲۳۱-۲۶۲).

اثری دیگر که به موضوع پژوهش حاضر نزدیک است مقاله‌ای است با عنوان تحلیل رمزشناختی داستان شیخ صنعان که در شماره ۱۲ مجله شعر پژوهی در تابستان ۱۳۹۱ منتشر شده است. این مقاله به بررسی رمزشناختی داستان شیخ صنعان اختصاص دارد. در این بررسی، سمبل‌ها و نمادهای آن، با توجه به روایت متون مقدس، از خلقت آدم و حوا و هبوط آن دو از بهشت به زمین، بازتعریف شده است. هدف نهایی عطار از این داستان، مطرح‌ساختن تفسیری عاشقانه از سرگذشت انسان است؛ «بر این اساس، می‌توان شیخ صنعان را سرنمون ازلی آدم، دختر ترسا را سرنمون ازلی حوا، مکه را سرنمون ازلی بهشت، روم را سرنمون ازلی دنیا و سفر شیخ صنعان را از مکه به روم و بازگشت از روم به مکه، سرنمون ازلی هبوط آدم و حوا به زمین و بازگشت آن دو به آسمان دانست» (آتش سودا، ۱۳۹۱: ۱).

از زمره تحقیقات جدی درباره عطار، جدای از آثار بدیع‌الزمان فروزانفر با عنوان «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری» و عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب «ته شرقی نه غربی، انسانی» (۱۳۵۶: ۲۷۶-۲۶۸) و شفیعی کدکنی (۱۳۸۴) در تصحیح و تعلیقات منطق‌الطیر، می‌توان به تحقیقات تقی پورنامداریان در کتاب: دیدار با سیمرغ (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «تفسیری دیگر از داستان شیخ صنعان» اشاره نمود؛ مقصود اصلی این مقاله، تفسیر بیت «در میان شیخ و حق از دیرگاه/ بود گردی و غباری بس سیاه» و شرح و تبیین غبار حجاب میان شیخ و حق است که برداشتن این غبار، حکمت ماجراهایی است که بر شیخ می‌رود و این غبار، چیزی جز غبار خوش‌نامی نیست (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۲۴۸-۲۷۱).

مقاله دیگر، نوشته سیدمهدی طباطبایی (۱۳۸۷) با عنوان «قصه‌گوی حق» (نقد و تحلیلی بر داستان‌پردازی عطار با محوریت داستان شیخ صنعان) است که نویسنده به دلایل علاقه‌مندی عطار به داستان‌پردازی اشاره می‌کند در عین حال، عناصر داستان را بر اساس کتاب: عناصر داستان، از جمال میرصادقی بررسی و تحلیل می‌کند؛ این مقاله در مجله حکمت و معرفت، سال سوم و در شماره ۱ منتشر شده است.

اثر دیگری که به موضوع این پژوهش نزدیک است مقاله‌ای از مسگرنژاد (۱۳۷۳) با عنوان کلی: تحلیل داستان شیخ صنعان، در سال سوم مجله آشنا است که در مهر و آبان سال ۱۳۷۳ منتشر شده است. نویسنده به‌طور کلی از عشق و غیرت الهی و خواب در داستان سخن رانده است.

این موارد، اهم آثاری بود که در ارتباط با مقصود مقاله حاضر است و با توجه به منابع مزبور و جست‌وجویی که از طرف نگارندگان انجام‌گرفت مشخص شد که هیچ اثری درباره تحلیل مضامین داستان شیخ صنعان به‌طور مستقیم و با روش تحقیق تحلیل مضمون انجام نیافته است؛ بنابراین در جای خود می‌تواند پژوهشی نو و گره‌گشا و روشن‌کننده مضامین اصلی داستان باشد.

هدف عمده‌ای که باز انگیزه این پژوهش شد چگونگی آموزش متون ادبی در راستای سرفصل درس متون نظم عرفانی ۱ و سایر متون منظوم و منثور فارسی است که عموماً از سوی استادان زبان و ادبیات فارسی به صورت متن‌خوانی و احیاناً شرح و توضیح انجام‌می‌پذیرد. این پژوهش قصد دارد از روش تحلیل مضامین، جهت شرح و توضیح متن استفاده کند که اینک تعداد ابیات کثیر یک متن هرگز در یک نیمسال تحصیلی قابلیت شرح و تفسیر ندارد و متن و درس عموماً ابتر و ناقص می‌ماند اما اگر متونی همچون منطق‌الطیر به دانشجویان واگذار گردد که با استفاده از شروع موجود، متن را خوانده و دریابند، آنگاه با چنین تحلیل‌هایی بخصوص تحلیل مضامین، متن درس کاملاً بررسی و تحلیل می‌گردد و از آنجایی که این کار با روش تحلیل مضامین صورت می‌گیرد اهداف سرفصل نیز که یکی از آن‌ها خواندن و نقد و تحلیل متن داستان شیخ صنعان است محقق می‌گردد؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش چیزی جز ایجاد روشی برای نقد و تحلیل متون منظوم و منثور و سرفصل‌های مربوط به آن نیست که به‌عنوان نمونه، بخشی از نظم عرفانی ۱ با عنوان مطالعه موردی داستان شیخ صنعان، از طریق تحلیل مضمون، تجزیه و تحلیل می‌گردد. در مجموع، هدف چیزی جز دست یافتن به مضامین اصلی و محوری داستان شیخ صنعان نیست که از این طریق، آموزش درست با تحلیل مضمون نیز به دست می‌آید. با این هدف، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است:

۱. تحلیل متون منظوم و منثور، از طریق روش تحلیل مضمون، دارای چه مراحل است؟
۲. مضامین محوری و اصلی داستان شیخ صنعان کدام است؟
۳. شناخت مضامین اصلی و تحلیل آن‌ها چگونه در آموزش نظم عرفانی یا هر متن دیگری مؤثر است؟

روش‌شناسی پژوهش

چنانکه اشاره شد روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی، تحلیل مضمون است که به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شود، اما به‌ندرت، معرفی شده است. از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین نیز از ابزارهایی هستند

¹ Theme analysis

که معمولاً در تحلیل مضمون به کار می‌روند. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). تحلیل مضمون، روشی است که معمولاً برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد (توماس، هاردن، ۲۰۰۸، نقل از بخت آزمای بناب و منتظر خراسان، ۱۳۹۶). پژوهشگر در تحلیل مضمون، مباحث مهم مطرح شده در متن را استخراج می‌کند. فرایند تحلیل مضمون شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. تحلیل مضمون، فرایندی بازگشتی است که در آن، حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد. هدف این مقاله، معرفی تحلیل مضمون و روش‌های وابسته به آن است (بخت آزمای بناب و منتظر خراسان، ۱۳۹۶).

به طور کلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است. «در یک جمع‌بندی، روش تحلیل مضمون، روشی است که با تمرکز و خلاقیت پژوهشگر ارتباط دارد و به جسارت ترکیب و خلق اصطلاحات توسط پژوهشگر نیاز دارد؛ حرکت از صدر به ذیل و جرقه‌های ذهنی مبهم است؛ تحلیل مضمون می‌تواند از بیان تم‌ها فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر نماید» (خنیف و مسلمی، ۱۳۹۸: ۵۳)

جامعه این پژوهش، متن داستان شیخ صنعان در منطق الطیر عطار نیشابوری است که به روش سرشماری کل متن داستان بررسی شده است. بنابراین نمونه آماری، برابر با جامعه آماری پژوهش است. واحد تحلیل محتوا در این پژوهش، کل مفهوم یک بیت و گاهی چند بیت است که ناظر بر مؤلفه‌های مفاهیم تربیتی، تعلیمی و عرفانی است.

در پژوهش حاضر، مراحل تحلیل مضمون به روش استقرایی و به این ترتیب طی شد:

۱. آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود، لازم است از اشراف مناسبی نسبت به محتوا برخوردار باشد. این اشراف با «مطالعه داده‌ها» و «خواندن فعال» یعنی جست‌وجوی معانی و الگوها، یادداشت‌برداری و علامت‌گذاری ابیات داستان شیخ صنعان منطق الطیر حاصل شد.

۲. ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی آغاز می‌گردد که محقق، داده‌ها را خوانده و با آن‌ها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیل‌گر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل (مضمون‌ها) متفاوت هستند.

¹ recursive

۳. جست‌وجوی مضامین: این مرحله، شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب مضمون‌های بالقوه، و مرتب‌کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده در قالب مضمون‌های مشخص شده است. در واقع، پژوهشگر، تحلیل کدهای خود را آغاز می‌کند و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک مضمون کلی ترکیب شوند؛ در این مرحله، برخی از کدهای اولیه، مضمون‌های اصلی را شکل می‌دهند، در حالی که، برخی دیگر، مضمون‌های فرعی^۱ را شکل داده، و مابقی نیز حذف می‌شوند. ممکن است که در این مرحله، یک مجموعه از کدها وجود داشته باشد که به نظر نمی‌رسد متعلق به هیچ مضمونی باشند، برای این‌گونه کدها یک مضمون با عنوان متفرقه^۲ ایجاد می‌شوند.

۴. بازبینی مضامین: این مرحله زمانی شروع می‌شود که محقق، مجموعه‌ای از مضمون‌ها را ایجاد کرده و آن‌ها را بازبینی می‌کند؛ این قسمت، دو مرحله بازبینی و تصفیه مضامین را در بر می‌گیرد. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است؛ در مرحله دوم، اعتبار مضمون‌ها در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود.

۵. تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها: این مرحله مربوط به زمانی است که یک نقشه مناسب از مضمون‌ها وجود داشته باشد. محقق در این مرحله، مضامینی را که برای تحلیل ارائه داده، تعریف کرده مجدداً بازنگری می‌کند. با تعریف و بازبینی، ماهیت آن چیزی که یک مضمون در مورد آن بحث می‌کند مشخص شده و اینکه هر مضمون کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد، تعیین می‌شود.

یافته‌ها

چنانکه در مقدمه آمد در این پژوهش سه سؤال اصلی مطرح است که با توجه به مراحل که برای تحلیل داستان به کار گرفته شده است هر سه سؤال هم‌زمان پاسخ داده می‌شوند. سؤالات مطرح‌شده به شرح ذیل هستند:

- تحلیل داستان از طریق روش تحلیل مضمون دارای چه مراحل است؟
- مضامین محوری و اصلی داستان شیخ صنعان کدام است؟
- شناخت مضامین اصلی و تحلیل آن‌ها چگونه در آموزش نظم عرفانی مؤثر است؟

در جدول ذیل مطابق با مراحل تحلیل مضامین، ابتدا کدهای باز و محوری به‌طور کامل ارائه شده و در مرحله بعد، کدهای محوری و اصلی داستان به همراه کدهای باز، طبقه‌بندی شده است؛ در یک نگاه کلی، در بررسی و تحلیل داستان شیخ صنعان در منظومه منطق الطیر، تعداد ۱۱۰ کد اولیه به‌عنوان کدهای باز، استخراج شد. این کدها که در قالب ابیات منظومه، ارائه شده‌اند در قالب ۴۱ مضمون محوری دسته‌بندی شد که صورت کامل آن در جدول شماره (۱) به همراه شماره ابیات

¹ sub-themes

² miscellaneous

آن آمده است. در یک دسته‌بندی دوباره، کدهای مشابه و مرتبط برای ایجاد یک مضمون کلی‌تر ترکیب شدند که در نهایت صورت نهایی درون‌مایه و محور اصلی داستان مزبور، در قالب ۷ مضمون اصلی و ۳۲ مضمون فرعی ارائه شد. (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۱): نتایج کدگذاری باز و محوری به همراه ابیات در منطق‌الطیر

شماره بیت	مضامین محوری	ابیات (نمونه کدهای باز) واحد ثبت: بیت و گاهی بند
۱۱۸۳	۱. مقام شیخی	۱. شیخ صنعان پیر عهد خویش بود / در کمال از هر چه گویم بیش
۱۱۸۴		۲. شیخ بود او در حرم پنجاه سال / با مریدی چارصد صاحب کمال
۱۱۸۷	۲. متعبد و متشرع بودن	۳. قرب پنجه حج به جای آورده بود / عمره عمری بود تا می کرده بود
۱۱۸۸		۴. خود صلاه و صوم بی حد داشت او هیچ سنت را فرو نگذاشت او
۱۱۹۰	۳. صاحب کرامت - بودن	۵. موی می بشکافت مرد معنوی / در کرامات و مقامات قوی
۱۱۹۱		۶. هر که بیماری و سستی یافتی / از دم او تن درستی یافتی
۱۱۹۲	۴. مقتدا بودن	۷. خلق را فی‌الجمله در شادی و غم / مقتدایی بود در عالم علم
		۸. چون بدید این خواب بیدار جهان / گفت دردا و دریغا این زمان
۱۱۹۵		۹. یوسف توفیق در چاه افتاد / عقبه‌ای دشوار در راه افتاد
۱۱۹۶		۱۰. می‌باید رفت سوی روم زود / تا شود تعبیر این معلوم زود
۱۲۰۲		***
۱۴۹۹-		۱۱. صبحدم بادی در آمد مشک‌بار / شد جهان کشف بر دل آشکار
۱۵۰۰		۱۲. مصطفی را دید می آمد چو ماه / در بر افکنده دو گیسوی سیاه
۱۵۳۸-		***
۱۵۳۹		۱۳. دید از آن پس دختر ترسا به خواب / کاو فتادی در کنارش آفتاب
		۱۴. آفتاب آن گاه بگشادی زبان / کز پی شیخت روان شو این زمان
۱۱۹۸	۶. وجود عقبه در زندگی	۱۵. نیست یک تن بر همه روی زمین / کو ندارد عقبه‌ای در ره چنین
۱۲۰۰		۱۶. ور بماند در پس آن عقبه باز / در عقوبت ره شود بر وی دراز
۱۱۹۷	۸. ایمان، هدف نهایی	۱۷. من ندانم تا از این غم جان برم / ترک جان گفتم اگر ایمان برم

ادامه جدول شماره (۱): نتایج کدگذاری باز و محوری به همراه ابیات در منطق الطیر

شماره بیت	ابیات (نمونه کدهای باز) واحد ثبت: بیت و گاهی بند	مضامین محوری
	۱۸. چارصد مرد مرید معتبر / پس روی کردند با او در سفر ***	
	۱۹. بود یاری در میان جمع چست / پیش شیخ آمد که ای در کار سست	
۱۲۰۳		
۱۴۳۰-	۲۰. می‌رویم امروز سوی کعبه باز / چیست فرمان باز باید گفت راز	
۱۴۳۳	۲۱. یا همه همچون تو ترسایی کنیم / خویش را محراب رسوایی کنیم	۹. التزام مریدان در تبعیت شیخ
۱۴۶۹	۲۲. این چنین تنهات نپسندیم ما / همچو تو ز نار بر بندیم ما؟ ***	
۱۴۷۶		
۱۴۷۹	۲۳. چون نهاد آن شیخ بر ز نار دست / جمله را ز نار می‌بایست بست	
۱۴۸۱	۲۴. جمله گفتند آن چه گفتمی پیش از این / بارها گفتیم با او بیش از این	
	۲۵. لیک روی آن دید شیخ کارساز / کز بر او یک به یک گردیم باز	
	۲۶. ما همه بر حکم او گشتیم باز / قصه برگفتیم و ننهفتیم راز	
۱۲۰۶	۲۷. دختری ترسا و روحانی صفت / در ره روح الهش صد معرفت	۱۰. حسن باطنی و
۱۲۰۷	۲۸. بر سپهر حسن در برج جمال / آفتابی بود اما بی‌زوال	ظاهری دختر ترسا
۱۲۲۸	۲۹. عشق دختر کرد غارت جان او / کفر ریخت از زلف بر ایمان او	۱۱. عاشق شدن شیخ صنعان
	۳۰. شیخ ایمان داد و ترسایی خرید / عافیت بفروخت رسوایی خرید ۱۲۲۹	۱۲. داد و ستد در عشق (فروش عافیت و خرید رسوایی)
۱۲۳۴	۳۱. پند دادندش بسی سودی نبود / بودنی چون بود بهبودی نبود	
۱۲۹۴	۳۲. گفت این آتش چو حق در من فکند / من به خود نتوانم از گردن فکند	۱۳. تقدیر در داستان (ویژگی حماسی)
۱۴۴۳	۳۳. هیچ کافر در جهان ندهد رضا / آنچه کرد آن پیر اسلام از قضا	
۱۴۵۹	۳۴. کز قضا او را چه بار آمد به بر / وز قدر او را چه کار آمد به سر	
۱۲۳۵	۳۵. هر که پندش داد فرمان می‌نبرد / زان که دردش هیچ درمان می‌نبرد	۱۴. پندناپذیری در عاشقی
	۳۶. در ریاضت بوده‌ام شبها بسی / خود نشان ندهد چنین شب را کسی	۱۵. درد عشق از ریاضت سخت‌تر است
۱۲۴۴		
۱۲۴۵	۳۷. همچو شمع از سوختن خوابم نماند / بر جگر جز خون دل آیم نماند	

ادامه جدول شماره (۱): نتایج کدگذاری باز و محوری به همراه ابیات در منطق الطیر

شماره بیت	ابیات (نمونه کدهای باز) واحد ثبت: بیت و گاهی بند	مضامین محوری
	۳۸. هر مریدی کان او بود ای عجب / می نیاسود از ریاضت روز و شب	
	۳۹. هم عمل هم علم با هم باز یار داشت / هم عیان هم کشف هم اسرار داشت	
۱۲۸۵-	۴۰. دختری ترسا و روحانی صفت / در ره روح الّهش صد معرفت	
۱۱۸۶	۴۱. بر سپهر حسن در برج جمال / آفتابی بود اما بی زوال	۱۶. توصیف شیخ و دختر ترسا و عشق
۱۲۰۶-	۴۲. هر که دل در زلف آن دلدار بست / از خیال زلف او زنار بست	
۱۲۰۸	۴۳. می بسوزم امشب از سودای عشق / می ندارم طاقت غوغای عشق	
۱۲۵۶-	۴۴. عمر کو تا وصف غم خواری کنم / یا به کام خویشتن زاری کنم	
۱۲۶۰	۴۵. صبر کو تا پای در دامن کشم / یا چو مردان رطل مردافکن کشم	
	۴۶. بخت کو تا عزم بیداری کند / یا مرا در عشق او باری کند	
	۴۷. عقل کو تا علم در پیش آورم / یا به حیلت عقل در پیش آورم	
	۴۸. هم نشینی گفتش ای شیخ کبار / خیز این وسواس را غسلی برآر	
۱۲۶۷-	۴۹. شیخ گفتش امشب از خون جگر / کرده ام صدار غسل ای بی خبر	۱۷. فراخواندن شیخ به شریعت از سوی یاران
۱۲۷۰	۵۰. آن دگر یک گفت تسبیح کجاست؟ / کی شود کار تو بی تسبیح راست	
	۵۱. گفت تسبیحم بیفکنم ز دست / تا توانم بر میان زنار بست	
۱۲۸۲	۵۲. گفت من بس فارغم از نام و ننگ / شیشه سالوس بشکستم به سنگ	۱۸. عشق راه نجات از سالوس نام و ننگ
۱۲۸۳-	۵۳. آن دگر گفتش که یاران قدیم / از تو رنجورند و مانده دل دو نیم	۱۹. رضایت معشوق، ملاک عشق
۱۲۸۴	۵۴. گفت چون ترسایچه خوش دل بود / دل ز رنج این و آن غافل بود	
	۵۵. گفت اگر کعبه نباشد دیر هست / هوشیار کعبه ام در دیر مست	۲۰. مستی بر زهد و هوشیاری
۱۲۸۶		
۱۲۹۷-	۵۶. چون سخن در وی نیامد کارگر / تن زدند آخر بدان تیمار در	۲۱. ناتوانی یاران در تغییر تقدیر
۱۲۹۸	۵۷. موج زن شد پرده دلشان ز خون / تا چه آید خود از این پرده برون	
۱۳۰۱	۵۸. شیخ خلوت ساز کوی یار شد / با سگان کوی او در کار شد	۲۲. عرصه عشق: مقیم کوی معشوق شدن
۱۳۰۶	۵۹. چون نبود از کوی او بگذشتنش / دختر آگه شد ز عاشق گشتنش	۲۳. برملا شدن راز عاشقی

ادامه جدول شماره (۱): نتایج کدگذاری باز و محوری به همراه ابیات در منطق الطیر

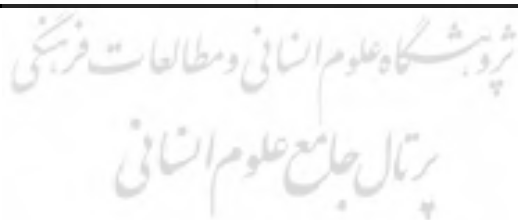
شماره بیت	ابیات (نمونه کدهای باز) واحد ثبت: بیت و گاهی بند	مضامین محوری
۱۳۰۸	۶۰. کی کند ای از شراب شرک مست / زاهدان در کوی ترسیان نشست؟	۲۴. زهد و مستی؟
۱۳۲۷	۶۱. چند نالم بر درت در باز کن / یک دمم با خویشتن دم‌ساز کن	۲۵. نیاز عاشقی و ناز معشوقی
۱۳۳۹	۶۲. عاشقی را چه جوان چه پیرمرد / عشق بر هر دل که زد تأثیر کرد	۲۶. تأثیر عشق در پیر و جوان
۱۳۴۰- ۱۳۴۳	۶۳. گفت دختر گر در این کاری تو چست / دست باید پاکت از اسلام شست ۶۴. هرکه او هم‌رنگ یار خویش نیست / عشق او جز رنگ و بویی بیش نیست ۶۵. گفت دختر گر تو هستی مرد کار / چار کارت کرد باید اختیار ۶۶. سجده‌کن پیش بت و قرآن بسوز / خمر نوش و دیده از ایمان بدوز	۲۷. شروط معشوق جهت آزمودن عاشق
۱۳۵۱- ۱۳۵۲	۶۷. آتش عشق آب کار او ببرد / زلف ترسا روزگار او ببرد ۶۸. ذره‌ای عقلش نماند و هوش هم / درکشید آن جایگه خاموش دم	۲۸. تقابل عشق و مستی با عقل و هوش
۱۳۶۲	۶۹. عشق آن دختر بماندش صعب‌ناک / هرچه دیگر بود کلی رفت پاک	۲۹. پاکبازی درعشق
۱۳۹۲- ۱۳۹۳	۷۰. شیخ گفت ای دختر دلبر چه ماند / هرچه گفتمی کرده شد دیگر چه ماند ۷۱. خمر خوردم بت پرستیدم ز عشق / کس مبیناد آن چه من دیدم ز عشق	۳۰. پذیرفتن و اجرای تمام خواسته‌های معشوق
۱۳۹۹- ۱۴۰۰	۷۲. این همه خود رفت برگوی اندکی / تا تو کی خواهی شدن با من یکی ۷۳. چون بنای وصل تو بر اصل بود / هر چه کردم بر امید وصل بود	۳۱. امید وصل (یکی شدن با معشوق) عامل اجرای درخواست-های معشوق
۱۴۴۷	۷۴. در چنین ره کان نه بن دارد نه سر / کس مبادا ایمن از مکر و خطر	۳۲. نایمندی مسیر سلوک و مکر و خطر در سلوک

ادامه جدول شماره (۱): نتایج کدگذاری باز و محوری به همراه ابیات در منطق الطیر

شماره بیت	مضامین محوری	ابیات (نمونه کدهای باز) واحد ثبت: بیت و گاهی بند
		۷۵. مرد گفت اکنون از این خجلت چه سود / کار چون افتاد برخیزیم زود
	۳۳. دادخواهی و تضرع تا چهل روز شرط رسیدن به هدف	۷۶. لازم درگاه حق باشیم ما / در تظلم خاک می‌باشیم ما ۷۷. پیرهن پوشیم از کاغذ همه / در رسیم آخر به شیخ خود همه ۷۸. بر در حق هر یکی را صد هزار / گه شفاعت گاه زاری بود کار ۷۹. جمله را چل شب نه خور بود و نه خواب / هم چو شب چل روز نه نان و نه آب ۸۰. از تضرع کردن آن قوم پاک / در فلک افتاد جوشی صعب‌ناک ۸۱. آخر الامر آن که بود از پیش صف / آمدش تیر دعا اندر هدف
۱۴۸۷- ۱۴۹۶		۸۲. مصطفی گفت ای به همت بس بلند / رو که شیخت را برون کردم ز بند
	۳۴. نقش همت عالی در رسیدن به هدف	۸۳. همت عالیت کار خویش کرد / دم نزد تا شیخ را در پیش کرد
	۳۵. عنایت و شفاعت انبیا و اولیا	۸۴. کردم از بهر شفاعت شبنمی / منتشر بر روزگار او همی
۱۵۰۵- ۱۵۰۶		۸۵. در میان شیخ و حق از دیرگاه / بود گردی و غباری بس سیاه ۸۶. آن غبار اکنون ز ره برخاسته است / توبه بنشسته گنه برخاسته است
۱۵۰۹	۳۶. نقش توبه در محو گناه	۸۷. شیخ را دیدند چون آتش شده / در میان بی‌قراری خوش شده ۸۸. هم فکنده بود ناقوس مغان / هم گسسته بود زنار از میان ۸۹. هم کلاه گبرکی انداخته / هم ز ترسایی دلی پرداخته
۱۵۰۷- ۱۵۰۸		۹۰. شیخ را گفتند ای بی‌برده راز / میغ شد از پیش خورشید تو باز ۹۱. کفر برخاست از ره و ایمان نشست / بت پرست روم شد یزدان پرست
	۳۷. توبه شیخ	۹۲. منت ایزد را که در دریای قار / کرد راهی همچو خورشید آشکار ۹۳. آن که داند کرد روشن را سیاه / توبه داند داد با چندین گناه ۹۴. شیخ غسلی کرد و شد در خرقه باز / رفت با اصحاب خود سوی حجاز
۱۵۲۹- ۱۵۳۵	۳۸. رهایی شیخ از کفر و درک ایمان	

ادامه جدول شماره (۱): نتایج کدگذاری باز و محوری به همراه ابیات در منطق الطیر

شماره بیت	مضامین محوری	ابیات (نمونه کدهای باز) واحد ثبت: بیت و گاهی بند
		۹۵. عاجز و سرگشته می‌نالید خوش / روی خود در خاک می‌مالید خوش
۱۵۵۵-		۹۶. زار می‌گفت ای خدای کارساز / عورتی‌ام مانده از هر کار باز
۱۵۵۷		۹۷. مرد راه چون توی را ره زدم / تو مزن بر من که بی‌اگه زدم
۱۵۵۹		۹۸. هر چه کردم بر من مسکین مگیر / دین پذیرفتم مرا تو دست‌گیر
۱۵۶۱		***
۱۵۶۸	۳۹. توبه و بازگشت	۹۹. شیخ را اعلام دادند از درون / کامد آن دختر ز ترسایی برون
۱۵۷۳-	دختر ترسا به سوی	شیخ و اصحابش ز پس رفتند باز / تا شدند آن‌جا که بود آن دلنواز
۱۵۷۷	عاشق (توبه از	۱۰۰. چون نظر افکند بر شیخ آن نگار / اشک می‌بارید چون ابر بهار
	ره‌زدن شیخ و	۱۰۱. دیده بر عهد وفای او فکند / خویشتن در دست و پای او فکند
	اسلام آوردن با	۱۰۲. گفت از تشویر تو جانم بسوخت / بیش از این در پرده نتوانم بسوخت
	عنایت خداوند)	
۱۵۸۱-		۱۰۳. برفکن این پرده تا آگه شوم / عرضه کن اسلام تا با ره شوم
۱۵۸۲		۱۰۴. شیخ بر وی عرضه اسلام داد / غلغلی در جمله یاران فتاد
		۱۰۵. گفت شیخا طاقت من گشت طاق / من ندارم هیچ طاقت در فراق
		۱۰۶. می‌روم زین خاکدان پرصداع / الوداع ای شیخ عالم الوداع
	۴۰. نصیبه ازلی و	۱۰۷. نفس این اسرار نتواند شنود / بی‌نصیبه گوی نتواند ربود
۱۵۹۰	فضل و رحمت	
	خداوند	



جدول شماره (۲): مضمون‌های گزینشی

ردیف	محورهای کلی	مضامین محوری	کدهای باز
		۱. مقام شیخی	۱. شیخ صنعان پیر عهد خویش بود / در کمال از هرچه گویم بیش بود ۲. شیخ بود او در حرم پنجاه سال / با مریدی چارصد صاحب کمال
		۲. متعبد و متشرع بودن	۳. قرب پنجه حج به جای آورده بود / عمره عمری بود تا می کرده بود ۴. خود صلاه و صوم بی حد داشت او / هیچ سنت را فرو نگذاشت او
		۳. صاحب کرامت بودن	۵. موی می بشکافت مرد معنوی / در کرامات و مقامات قوی ۶. هر که بیماری و سستی یافتی / از دم او تن درستی یافتی
		۴. مقتدا بودن	۷. خلق را فی الجمله در شادی و غم / مقتدایی بود در عالم علم
			۸. چارصد مرد مرید معتبر / پس روی کردند با او در سفر ***
			۹. بود یاری در میان جمع چست / پیش شیخ آمد که ای در کار سست ۱۰. می رویم امروز سوی کعبه باز / چیست فرمان باز باید گفت راز ۱۱. یا همه همچون تو ترسایی کنیم خویش را محراب رسوایی کنیم
		۵. التزام مریدان در تبعیت شیخ	۱۲. این چنین تنهات نپسندیم ما / همچو تو زنار بریندیم ما؟ ***
			۱۳. چون نهاد آن شیخ بر زنار دست / جمله را زنار می بایست بست ۱۴. جمله گفتند آن چه گفتی پیش از این / بارها گفتیم با او بیش از این ۱۵. لیک روی آن دید شیخ کارساز / کز بر او یک به یک گردیم باز ۱۶. ما همه بر حکم او گشتیم باز / قصه برگفتیم و ننهفتیم راز

تکیه شیخ بر تقوی (مقام زهد و زاهدی)

۱

ادامه جدول شماره (۲): مضمون‌های گزینشی

ردیف	محورها ی کلی	مضامین محوری	کدهای باز
۲	فصلی خداوند (حرکت تشبیه به غریب و حرکت دختر ترسناک تره	۶. نقش خواب و رؤیا	۱۷. چون بدید این خواب بیدار جهان / گفت دردا و دریغا این زمان
			۱۸. یوسف توفیق در چاه افتاد / عقبه‌ای دشوار در راه افتاد
			۱۹. می‌باید رفت سوی روم زود / تا شود تعبیر این معلوم زود

			۲۰. صبحدم بادی در آمد مشک‌بار / شد جهان کشف بر دل آشکار
			۲۱. مصطفی را دید می‌آمد چو ماه / در بر افکنده دو گیسوی سیاه

			۲۲. دید از آن پس دختر ترسا به خواب / کاوفتادی در کنارش آفتاب
			۲۳. آفتاب آن گاه بگشادی زبان / کز پی شیخت روان شو این زمان
			۳
۲۵. موج زن شد پرده دلشان ز خون / تا چه آید خود از این پرده برون			
۲۶. پند دادندش بسی سودی نبود / بودنی چون بود بهبودی نبود			
۲۷. گفت این آتش چو حق در من فکند / من به خود نتوانم از گردن فکند			
۲۸. هیچ کافر در جهان ندهد رضا / آنچه کرد آن پیر اسلام از قضا			
۲۹. کز قضا او را چه بار آمد به بر / وز قدر او را چه کار آمد به سر			
۳۰. نیست یک تن بر همه روی زمین / کو ندارد عقبه‌ای در ره چنین			
۳۱. ور بماند در پس آن عقبه باز / در عقوبت ره شود بر وی دراز			
۱۰. لزوم عبور از عقبه			
۹. وجود عقبه			

ادامه جدول شماره (۲): مضمون‌های گزینشی

ردیف	محورهای کلی	مضامین محوری	کدهای باز
۴	تَوَكُّلٌ	۱۱. رسیدن به ایمان خالص، هدف نهایی	۳۲. من ندانم تا از این غم جان برم / ترک جان گفتم اگر ایمان برم
		۱۲. حسن ظاهری و معرفت باطنی	۳۳. دختری ترسا و روحانی صفت / در ره روح‌اللهش صد ۳۴. بر سپهر حسن در برج جمال / آفتابی بود اما بی- زوال
		۱۳. عاشق شدن شیخ	۳۵. عشق دختر کرد غارت جان او / کفر ریخت از زلف بر ایمان او
		۱۴. داد و ستد در عشق (عافیت‌فروشی و رسوایی خریدن)	۳۶. شیخ ایمان داد و ترسایی خرید / عافیت بفروخت رسوایی خرید
		۱۵. پندناپذیری عاشق	۳۷. هر که پندش داد فرمان می‌نبرد / زان که دردش هیچ درمان می‌نبرد
		۱۶. درد عشق	۳۸. در ریاضت بوده‌ام شب‌ها بسی / خود نشان ندهد چنین شب را کسی ۳۹. همچو شمع از سوختن خوابم نماند / بر جگر جز خون دل آبم نماند
		۱۷. توصیف عاشق و معشوق	۴۰. هر مریدی کان او بود ای عجب / می‌نیاسود از ریاضت روز و شب ۴۱. هم عمل هم علم با هم باز یار داشت / هم عیان هم کشف هم اسرار داشت ۴۲. دختری ترسا و روحانی صفت / در ره روح‌اللهش صد معرفت ۴۳. بر سپهر حسن در برج جمال / آفتابی بود اما بی‌زوال

بلای عشق

۵

ادامه جدول شماره (۲): مضمون‌های گزینشی

ردیف	محورهای کلی	مضامین محوری	کدهای باز
			۴۴. هر که دل در زلف آن دلدار بست / از خیال زلف او زتار بست
			۴۵. می‌بسوزم امشب از سودی عشق / می‌ندارم طاقت غوغای عشق
			۴۶. عمر کو تا وصف غم‌خواری کنم / یا به کام خویشتن زاری کنم
۱۸.	توصیف عاشق و معشوق		۴۷. صبرکو تا پای در دامن کشم / یا چو مردان رطل مردافکن کشم
			۴۸. بخت کو تا عزم بیداری کند / یا مرا در عشق او یاری کند
			۴۹. عقل کو تا علم در پیش آورم / یا به حیلت عقل در پیش آورم
			۵۰. آن دگر گفتش که یاران قدیم / از تو رنجورند و مانده
۱۹.	رضایت معشوق، ملاک عاشقی		دل دو نیم
			۵۱. گفت چون ترساچه خوش‌دل بود / دل ز رنج این و آن غافل بود
			۵۲. گفت اگر کعبه نباشد دیر هست / هوشیار کعبه‌ام در دیر مست
			۵۳. کی کند ای از شراب شرک مست / زاهدان در کوی ترسایان نشست؟
۲۰.	ترجیح عشق و مستی بر زهد و هوشیاری (تقابل عشق و عقل)		***
			۵۴. آتش عشق آب کار او ببرد / زلف ترسا روزگار او ببرد
			۵۵. دزه‌ای عقلش نماند و هوش هم / درکشید آن جایگه خاموش دم
۲۱.	مقیم‌شدن در کوی معشوق		۵۶. شیخ خلوت‌ساز کوی یار شد / با سگان کوی او در کار شد
			۵۷. چون نبود از کوی او بگذشتنش / دختر اگه شد ز عاشق گشتنش
۲۲.	برملاشدن راز عاشقی		۵۸. چند نالم بر درت در باز کن / یک دمم با خویشتن دم‌ساز کن
۲۳.	نیاز عاشق و ناز معشوق		

ادامه جدول شماره (۲): مضمون‌های گزینشی

ردیف	محورهای کلی	مضامین محوری	کدهای باز
۵	عشق	۲۴. تأثیر عشق در پیر و جوان	۵۹. عاشقی را چه جوان چه پیرمرد / عشق بر هر دل که زد تأثیر کرد
		۲۵. آزمودن عاشق از سوی معشوق	۶۰. گفت دختر گر در این کاری تو چست / دست باید پاکت از اسلام شست
			۶۱. هرکه او هم‌رنگ یار خویش نیست / عشق او جز رنگ و بویی بیش نیست
			۶۲. گفت دختر گر تو هستی مرد کار / چار کارت کرد باید اختیار
			۶۳. سجده‌کن پیش بت و قرآن بسوز / خمر نوش و دیده از ایمان بدوز
		۲۶. پاکبازی در عشق	۶۴. عشق آن دختر بماندش صعب‌ناک / هرچه دیگر بود کلی رفت پاک
			۶۵. شیخ گفت ای دختر دلبر چه ماند / هرچه گفتمی کرده شد دیگر چه ماند
			۶۶. خمر خوردم بت پرستیدم ز عشق / کس مبیناد آن چه من دیدم ز عشق
			۶۷. این همه خود رفت برگوی اندکی / تا تو کی خواهی شدن با من یکی
			۶۸. چون بنای وصل تو بر اصل بود / هر چه کردم بر امید وصل بود
۶	عبور از تقوای ظاهری (مقام عارفی)	۲۸. فراخوانده شدن شیخ به شریعت از سوی یاران	۶۹. هم‌نشینی گفتش ای شیخ کبار / خیز این وسواس را غسلی بر آرز
			۷۰. شیخ گفتش امشب از خون جگر / کرده‌ام صدمبار غسل ای بی‌خبر
			۷۱. آن دگر یک گفت تسبیح کجاست؟ کی شود کار تو بی تسبیح راست
			۷۲. گفت تسبیح بیفکنم ز دست / تا تو انم بر میان ز نار بست
		۲۹. عشق راه نجات از سالوس نام و ننگ	۷۳. گفت من بس فارغم از نام و ننگ / شیشه سالوس بشکستم به سنگ

ادامه جدول شماره (۲): مضمون‌های گزینشی

ردیف	محورهای کلی	مضامین محوری	کدهای باز
		۷۴. شیخ را گفتند ای پی‌برده راز / میغ شد از پیش خورشید تو باز	
		۷۵. کفر برخاست از ره و ایمان نشست / بت پرست روم شد یزدان پرست	
	۳۰. رهایی شیخ از کفر و درک ایمان	۷۶. منت ایزد را که در دریای قار / کرد راهی هم چو خورشید آشکار	
		۷۷. آن که داند کرد روشن را سیاه / توبه داند داد با چندین گناه	
		۷۸. شیخ غسلی کرد و شد در خرقة باز / رفت با اصحاب خود سوی حجاز	
		۷۹. در میان شیخ و حق از دیرگاه / بود گردی و غباری بس سیاه	
		۸۰. آن غبار اکنون ز ره برخاسته است / توبه بنشسته گنه برخاسته است	
	۳۱. نقش توبه در محو غبار گناه	۸۱. شیخ را دیدند چون آتش شده / در میان بی‌قراری خوش شده	
		۸۲. هم فکنده بود ناقوس مغان / هم گسسته بود زنار از میان	
		۸۳. هم کلاه گبرکی انداخته / هم ز ترسایی دلی پرداخته	
		۸۴. عاجز و سرگشته می‌نالید خوش / روی خود در خاک می‌مالید خوش	
		۸۵. زار می‌گفت ای خدای کارساز / عورتی‌ام مانده از هر کار باز	
	۳۲. فضل خداوند	۸۶. مرد راه چون توی را ره زدم / تو مزن بر من که بی‌اگه زدم	
۷	فضل خداوند	سبب پذیرش توبه و محو گناهان	۸۷. هر چه کردم بر من مسکین مگیر / دین پذیرفتم مرا تو دست‌گیر

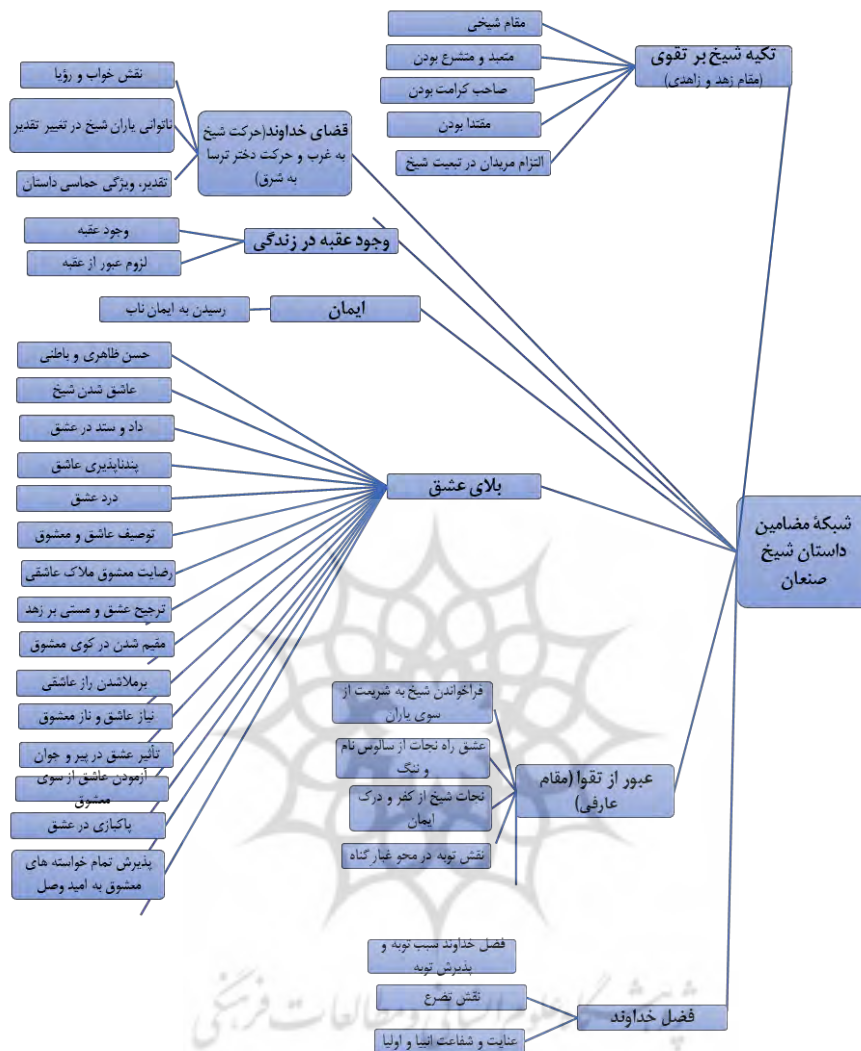
		۸۸. شیخ را اعلام دادند از درون / کامد آن دختر ز ترسایی برون	

عبور از تنوای ظاهری (مقام عارفی)

۶

ادامه جدول شماره (۲): مضمون‌های گزینشی

ردیف	محورهای کلی	مضامین محوری	کدهای باز
			۸۹. شیخ و اصحابش ز پس رفتند باز / تا شدند آن جا که بود آن دلنواز
			۹۰. چون نظر افکند بر شیخ آن نگار / اشک می‌بارید چون ابر بهار
			۹۱. دیده بر عهد وفای او فکند / خویشتن در دست و پای او فکند
			۹۲. گفت از تشویر تو جانم بسوخت / بیش از این در پرده نتوانم بسوخت
۳۳	فضل خداوند	سبب پذیرش توبه و محو گناهان	۹۳. برفکن این پرده تا آگه شوم / عرضه کن اسلام تا باره شوم
			۹۴. شیخ بر وی عرضه اسلام داد / غلغلی در جمله یاران فتاد
			۹۵. گفت شیخا طاق من گشت طاق / من ندارم هیچ طاق در فراق
			۹۶. می‌روم زین خاک‌دان پرصداع / الوداع ای شیخ عالم الوداع
۷	فضل خداوند		۹۷. مرد گفت اکنون از این خجلت چه سود / کار چون افتاد بر خیزیم زود
			۹۸. لازم درگاه حق باشیم ما / در تظلم خاک می‌باشیم ما
			۹۹. پیرهن پوشیم از کاغذ همه / در رسیم آخر به شیخ خود همه
			۱۰۰. نقش تضرع و فضل و جود خداوند بود کار
			۱۰۱. جمله را چل شب نه خور بود و نه خواب / همچو شب چل روز نه نان و نه آب
			۱۰۲. از تضرع کردن آن قوم پاک / در فلک افتاد جوشی صعب‌ناک
			۱۰۳. آخر الامر آن که بود از پیش صف / آمدش تیر دعا اندر هدف
			۳۵. عنایت و شفاعت کردم از بهر شفاعت شب‌نمی / منتشر بر روزگار او همی انبیا و اولیا



شکل (۱) ساختار اساسی مضامین اصلی و محوری داستان شیخ صنعان (مضامین/تمها)

در نهایت، شکل ارائه شده، بر اساس تمام مضامین اصلی، محوری و کدهای باز به دست آمد که با توجه به محدودیت در حجم مقاله، تمامی موارد مربوط، به طور خلاصه توصیف شد. تبیین و توضیح مؤلفه‌های ادبیات عرفانی، فرصت و حوصله‌ای دیگر می‌طلبد. عموماً آثار عرفانی مقوله‌ها و مؤلفه‌هایی دارند که آن را از سایر آثار متمایز می‌کند. در داستان مطرح شده بسیاری از آن مؤلفه‌ها وجود دارد؛ جریان و سریان عشق در تمام موجودات و هستی، وحدت تجلی، وحدت وجود، نظام احسن، فضل و عنایت خداوند، نصیبه ازی و... از زمره این موارد بود که به طور گذرا بررسی شد.

در این راستا و در پاسخ به سؤال اول، مراحل تحلیل مضمون داستان نشان داده شد. در پاسخ به سؤالات دیگر نیز جداول مربوط به ایجاد کدهای باز، مضامین محوری و مقوله‌های اصلی داستان ترسیم گردید؛ البته در قسمت مربوط به نتیجه‌گیری نیز عملاً سؤال سوم پاسخ داده می‌شود که هرگاه دانشجویان یا محققان دست به چنین تحلیلی بزنند به نتایج دقیقی از داستان دست می‌یابند که در تشریح و توضیح به روش سخنرانی، هیچگاه چنین نتایج دقیقی محقق نخواهد شد. در واقع، در طی کردن مراحل تحلیل مضمون، تمامی گام‌های «خواندن»، به‌عنوان یکی از مهارت‌های آموزش زبان، از جمله: روان‌خوانی، روان‌خوانی، استنباط، درک و فهم، تجزیه و تحلیل و تلفیق مفاهیم متن توسط دانشجویان و در یک کلام، خواندن و درک مفاهیم و پیام اصلی داستان، اتفاق می‌افتد.

بحث و نتیجه‌گیری

چنانکه در جدول شماره (۲) پیداست داستان شیخ صنعان در یک تحلیل دقیق، بر پایه هفت مضمون اصلی استوار است. نخستین محور کلی آن «تکیه بر تقوی» است که از ترکیب مضامین «مقام شیخی»، «تعبد و تشرع»، «صاحب کرامت‌بودن»، «مقتدا بودن» و «التزام مریدان در تبعیت شیخ» به دست آمده است. برای هرکدام از کدهای مطرح شده نیز نمونه مضامین محوری آن به همراه شماره ابیات، قید گردیده‌است. محتوا و مضامین ابیات ذیل، حکایت از این دارد که شیخ، آداب شریعت را به جا آورده و سعی نموده دستورات خداوند را اجرا نماید؛ به همین خاطر، به مقام شیخی رسیده است؛ او در اثر ریاضت و پرهیزگاری کارهای خارق‌العاده‌ای نیز انجام می‌داده است. شفا دادن بیماران و داشتن کرامات دیگر، از زمره این موارد است:

شیخ صنعان پیر عهد خویش بود	در کمال از هرچه گویم بیش بود
شیخ بود او در حرم پنجاه سال	با مریدی چارصد صاحب‌کمال
قرب پنجه حج به جای آورده بود	عمره عمری بود تا می‌کرده بود
خود صلاه و صوم بی‌حد داشت او	هیچ سنت را فرو نگذاشت او
موی می‌بشکافت مرد معنوی	در کرامات و مقامات قوی
هر که بیماری و سستی یافتی	از دم او تن درستی یافتی
خلق را فی‌الجمله در شادی و غم	مقتدایی بود در عالم علم

(منطق الطیر، ۱۱۸۳-۱۱۹۰)

دومین محور کلی داستان، «قضای خداوند» است که نقش رؤیا و خواب در نازل شدن قضای خداوند کاملاً روشن است. رؤیا هم در آغاز داستان و هم در پایان داستان نقش اصلی را در ایجاد پی‌رنگ دارد و قضای خداوند با همین خواب و رؤیاهای داستان شکل می‌گیرد. شیخ در خواب می‌بیند که در غرب، بت‌پرستی می‌کند و به همین خاطر باید به غرب برود؛ برعکس، در پایان داستان دختر ترسا در خواب، آفتاب را می‌بیند و تصور می‌کند باید به شرق برود. شیخ به غرب و غروب و

دختر ترسا به شرق و طلوع خواهد رفت؛ این چیزی جز قضای خداوند نیست که شیخ با تمام تقوا و دانش در تاریکی‌ها فرو می‌رود و دختر ترسا با ره‌زنی‌ها و جفاهایی که در حق شیخ داشته است فضل خداوند شامل او می‌گردد؛ در خواب، آفتاب را در کنار خود می‌بیند و دیدن آفتاب در خواب چیزی جز لطف و فضل خداوند نیست با اینکه نه مثل شیخ حجی رفته است و نه کرامتی دارد. در هر صورت، ناتوانی شیخ و یاران شیخ در تغییر و تبدیل قضای خداوند و... همگی مفاهیمی هستند که در داستان، بر قضای خداوند دلالت دارد:

پند دادندش بسی سودی نبود بودنی چون بود بهبودی نبود
(منطق‌الطیر، ۱۲۳۴)

سومین نکته کلیدی و اساسی داستان شیخ صنعان، وجود عقبه در زندگی انسان‌هاست که با آن روبه‌رو هستند:

نیست یک تن بر همه روی زمین کون‌دارد عقبه‌ای در ره چنین
(منطق‌الطیر، ۱۱۹۸)

دیگر اینکه، عبور از این عقبه لازم است و برای رهایی از عقوبت باید این عقبه پشت سر گذاشته شود:

ور بماند در پس آن عقبه باز در عقوبت ره شود بروی دراز
(منطق‌الطیر، ۱۲۰۰)

چهارمین محور اصلی، ایمان است و رسیدن به ایمان خالص شاید هدف اصلی داستان باشد. قضای خداوند و فراهم شدن شرایط توبه و حرکت دختر ترسا به شرق شاید همگی برای نائل شدن به ایمان خالص است. اینگونه است که شیخ صنعان بار دیگر آرزو می‌کند که اگر ایمانش را دوباره دریابد حاضر است از جان خود بگذرد:

من ندانم تا از این غم جان برم ترک جان گفتم اگر ایمان برم
(منطق‌الطیر، ۱۱۹۷)

پنجمین عنصر اصلی داستان، عشق و ملزومات آن است که تحت عنوان «بلای عشق» از آن یاد شده است. با توجه به کدهای باز و مضامین به‌دست آمده بیشترین مضامین، مربوط به بلای عشق است. مضامین گزینشی عشق عبارت است از: حسن ظاهر و باطن، داد و ستد در عشق (شیخ عافیت را می‌فروشد و به جای آن رسوایی را به جان می‌خرد)، پندناپذیری عاشق، درد عشق، رضایت معشوق (شرط عاشقی)، ترجیح عشق و مستی بر زهد و هوشیاری، مقیم شدن در کوی معشوق، راز عاشقی، نیاز عاشق و ناز معشوق و عشق پیر و جوان نمی‌شناسد، آزمودن عاشق از سوی معشوق، پاک‌بازی در عشق و درنهایت، پذیرش تمام خواسته‌های معشوق به امید وصل، مواردی است که در داستان شیخ صنعان به آن پرداخته شده است و چنانکه اشاره شد بیشترین سهم را در مضامین دارد. عشق چیزی است که پرندگان برای حرکت به سوی مقصود به آن نیاز دارند و این داستان

حکایت مردی است که از نظر خودش و دیگران در قله زهد و تصوف ایستاده اما یکباره با گرفتاری در عشق مجازی به زیر افکنده می‌شود و سرانجام، همین عشق مجازی او را به قله واقعی رساند که تا آن روز فقط در خیال او بوده است (احمدبیگی، ۱۳۹۲: ۸).

البته نگارنده، با تأویل سیدمهدی زرقانی موافق است که عشقی که شیخ صنعان گرفتار آن می‌شود به منزله گرفتاری در هواجس نفسانی است و چیزی که سبب تصفیه و تزکیه می‌شود چیز دیگری است که با تحلیل دقیقی که صورت پذیرفته است کاملاً مشخص می‌گردد (زرقانی، ۱۳۸۵: ۳)

عبور از تقوا و رسیدن به معنا و مفهوم توکل، ششمین محور اصلی داستان است؛ مقصود اصلی از این محور اصلی، همان بیت حافظ است که می‌گوید:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

قضای الهی در بردن شیخ به غرب و بت‌پرستی، سبب می‌گردد که شیخ بر اعمال و آداب و کرامت و شیخی خود تکیه نکند و آنچه مهم است توکل بر خداوند است. این مسیر با بلای عشق استوار می‌گردد و مشخص می‌شود که عشق، راه نجات از سالوس نام و ننگ است:

گفت من بس فارغم از نام و ننگ شیشه سالوس بشکستم به سنگ
(منطق الطیر، ۱۲۸۲)

غباری که بین شیخ و خدا وجود دارد به وسیله بلای عشق و تضرع یاران برداشته می‌شود. شیخ درمی‌یابد که بنده، بدون عنایت خداوند هر لحظه ممکن است بلغزد و بنابراین نباید به عبادات مغرور بود. سرچشمه عزت و ذلت نزد خداوند است.

نکته دیگر اینکه با تمام گناهایی که وجود دارد نمی‌توان از فضل و رحمت خداوند غافل بود: منت ایزد را که در دریای قار کرد راهی همچو خورشید آشکار

در یک سخن، انسان عقبه‌ای دارد؛ عقبه را قضا و فضل خداوند بر بشر متجلی می‌سازد؛ در دام بلا می‌افتد و با تضرع خود یا یاران، بار دیگر، دیگ احسان خداوند به جوش می‌آید و با بازگشت به سوی خداوند، گناه، رخت بر می‌بندد و ایمان خالص جای کفر و گناه می‌نشیند. لازم به توضیح است که عبارت «عقبه» یکی از تعبیر قرآن است که در سوره بلد از آن یاد شده است: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (بلد/۱۱) (پس شتابان و با شدت به آن گردنه سخت وارد نشد) وَمَا أُذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةَ (همان/۱۲) و تو چه می‌دانی آن گردنه سخت چیست؟ میبدی، در تفسیر کشف الاسرار، در نوبت سوم، درباره عقبه می‌آورد: «مسلمانان بیدار باشید و هشیار که: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ در پیش است، بادیه قیامت و عقبات صراط هفتاد منزل بر جسر دوزخ، باریکتر از موی و تیزتر از شمشیر، می‌باید گذاشت و گذاشتن این عقبات بر کسی آسان بود که برده‌ای از بند بندگی مخلوق آزاد کند و گردن

خویش از بند معاصی رها کند و در روزگار قحط، درویش گرسنه را طعام دهد و یتیم بی پدر را دست شفقت بر سر نهد و نواخت کند. اینست سبب نجات از عقبات و رسیدن به درجات جنات و اللّٰهُ ولیّ الباقیات الصّٰلحات» (رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱: ج ۱۰، ۴۹۵) به تعبیر قرآن «عقبه» گشادن گردنی است: «فَكَرَّ رَقَبَهُ» (بلد/۱۳) و شاید مقصود از عقبه که به معنای گردنه‌های سخت است با آزاد کردن و رهایی یک گردن (آزاد نمودن یک بنده) متناسب است. در ادبیات عرفانی، عقبه همان دشواری‌های سلوک عرفانی است و سنایی غزنوی نیز از این دشواری‌ها و عقبات غافل نبوده است. معتقد است در طی طریق، گریوه‌ها و گردنه‌هایی است که کار را بی اندازه سخت می‌کند؛ خودپرستی، غرور، شهوت و آز، ادعای بیهوده، وابستگی به دنیا، شکم بارگی، شاهدبازی و... از موانعی است که بر سر راه سلوک عرفانی وجود دارد و بدون گشادن و فتح این موانع، سلوک واقعی محقق نخواهد شد (احمدی رکن‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: صص ۲۰۶-۲۲۲). بر این اساس، در منطق الطیر عطار، عقبه‌ای که بر سر راه شیخ صنعان است باید برداشته شود.

مضمون محوری دیگر در این رابطه، نقش توبه در محور غبار گناه است. توبه، اولین مقام و منزل سالکان راه حق است؛ سالک الی الله باید روی خود را از هر چه غیر خدا است برتابد. غزالی در کتاب الاربعین می‌گوید: توبه، آغاز راه سالکان و کلید خوشبختی مریدان است (صفایی، ۱۳۸۰: ۲۱۱). صاحب مرصاد العباد می‌آورد که: «چون مرید به خدمت شیخ پیوست و عوایق و علایق برانداخت باید که به بیست صفت موصوف باشد... و اول مقام توبه است» (..۲۵۷). چنانکه از آیات قرآن برمی‌آید پیامبران خدا نیز به سوی خدا بازگشته‌اند و توبه کرده‌اند اگرچه مراتب توبه متفاوت است. صاحب مرصاد العباد در جایی دیگر می‌گوید: توبه نبی از اختلاط خلق و تبلیغ رسالت و اشتغال به معاملات بشری بود که در این حال، هر نفس، وجودی می‌زاید و ابر کردار در پیش آفتاب حقیقی می‌آید، نبی به استغفار نفی آن وجود می‌کرد روزی هفتادبار» (همان: توبه حضرت آدم علیه السلام، سلیمان نبی و پیامبر مکرم اسلام از مواردی است که در قرآن به آن اشاره شده است: «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره/۳۷) یا در توبه حضرت سلیمان می‌فرماید: «وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/۳۰) خداوند متعال درباره استغفار پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ» (غافر/۵۵).

عقبه شیخ صنعان، روی در خلق داشتن و فریفته طاعات شدن است. با اینکه یاران صادق، از هر حیث، مرید وی بودند و شیخ، مقتدای قوم بود ولی همه این‌ها وی را از خدا دور ساخته بود. در داستان عاشقی پیش‌آمده، شیخ به همه این موارد پی برد. قضای الهی سرنوشتی نو برای شیخ به وجود آورد تا برای خدا خالص گردد و هیچ‌گونه غباری بین او و معبود وجود نداشته باشد. التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ. آن کسی که توبه کند مانند کسی است که بی‌گناه باشد (شیخ صدوق ابن بابویه، ج ۱: ۷۹).

در میان شیخ و حق از دیرگاه بود گردی و غباری بس سیاه
 آن غبار اکنون ز ره برخاسته است توبه بنشسته گنه برخاسته است
 (منطق الطیر، همان، ۱۵۰۷-۱۵۰۸)

یکی دیگر از اصلی ترین محورهای داستان، فضل و عنایت خداوند است که بیشتر از تقوا و دانش می تواند دست انسان ها، حتی گناه کارترین را بگیرد و از او انسانی بسازد که گویی گناهی نکرده است. بر اساس داستان مزبور، تضرع در درگاه خداوند و عنایت و شفاعت انبیا و اولیا نقش اساسی در این زمینه دارد:

از تضرع کردن آن قوم پاک در فلک افتاد جوشی صعبناک
 (منطق الطیر، ۱۴۹۵)

پس این فضل و رحمت خداوند است که سبب پذیرش توبه و محو گناهان می شود و باز اوست که شفاعت انبیا و اولیا را می پذیرد. این فضل و عنایت خداوند است که مخرجی برای اهل تقوا ایجاد می کند: « وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا » (طلاق/۳)
 کردم از بهر شفاعت شبنمی منتشـر بر روزگار او همی

آنچه محقق به آن دست یافت این بود که نگاشت عطار در منطق الطیر این است که در طریقت نباید به تقوا و دانش تکیه نمود. آنچه مهم است قضای خداوند و فضل خداوند است ممکن است قضای خداوند سبب گردد عابد زاهد در هر مرحله بلغزد و فضل خداوند سبب دست گیری از هر گناه کاری شود. بنابراین، تکیه بر طاعت در برابر قضا و فضل خداوند هیچ است. تمام طاعات با بلای عشق به هم می ریزد و لطف خداوند تمام گناهان را محو می کند. در داستان شیخ صنعان، دیدیم که طاعات و حج های پنجاه گانه شیخ نتوانست دست او را بگیرد و اگر فضل و رحمت خداوند نبود هر لحظه در تاریکی های بت پرستی فرو رفته بود؛ فضل خداوند، خود را در قالب دعا و تضرع یاران و شفاعت اولیا نشان داد؛ همین فضل خداوند بود که رهنی ها و جفاهای دختر ترسا را محو نمود، همه چیز رخت بریست و قلم عفو بر تمام خطاهای او کشیده شد. نتیجه نهایی داستان همان بیت حافظ است که می فرماید:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

در آخر، یک نتیجه نهایی از داستان می توان گرفت؛ اینکه بندگان درگاه حق در زندگی عقبه ای دارند؛ یعنی همان که مولانا می گوید: «گر نه موشی دزد در انبان ماست/ گندم اعمال چل ساله کجاست» (مثنوی) قضای خداوند بر این قرار می گیرد تا عقبه و منفذی را که تقوای انسان ها را تباہ می سازد از میان بردارد تا هر چه ماند جز ذات حق نباشد و هر عاملی که مانع درک و دیدار با او می-

گردد برداشته شود. در این داستان نیز همین قضای الهی سبب می‌شود تا شیخ در عشق مجازی فرو رود و در انواع آلودگی و پلیدی غرق گردد. از آنجا که خداوند دوست ندارد که بنده خود (شیخ زاهد) را در پلیدی‌ها گرفتار ببیند لطف و عنایت خود را بر بنده می‌تاباند و اینجاست که تیرگی‌های گناه به چیزی جز برق توبه نیاز ندارد. تضرع و زاری و شفاعت بندگان درگاه حق همه از جلوه‌های فضل و عنایت خداوند است تا هرگونه عقبه‌ای را از سر راه بنده‌اش بردارد و راه وصال هموار گردد؛ اینگونه است که شیخ پس از آن همه تقوا به خاطر عقبه‌ای، از خدا دور می‌افتد و با لطف و عنایت خداوند بار دیگر به سوی معبود بازمی‌گردد؛ از معشوق‌های مجازی عبور نموده و در برابر خداوند تسلیم می‌شود و اسلام می‌آورد.

در نهایت، این پژوهش به شکلی عملی، روشن نمود که چگونه روش تحلیل مضمون متن را روشمند و دقیق مطالعه و نکات و مفاهیم آن را مقوله‌بندی می‌کند؛ در مقدمه این پژوهش اشاره شد که هدف از نگارش این مقاله چیزی جز یادگیری متون نیست. زمانی که دانشجویان یا استاد درس به شکل عملی و در قالب یک فعالیت پژوهشی متن را مطالعه می‌کنند قطعاً مطالعه دقیق‌تر، گویاتر و یادگیری عمیق‌تر خواهد بود؛ هرگونه ابهامی از متن برطرف خواهد شد؛ آموزش و پژوهش عجین می‌شود؛ آموزش سرفصل‌ها از محدوده زمان آموزش در کلاس فراتر خواهد رفت و در شانزده جلسه نیمسال تحصیلی منحصر نخواهد ماند و آموزش، صورت دانشگاهی به خود خواهد گرفت و از صورت مدرسه‌ای خارج می‌گردد. نهایت اینکه با این روش، یکبار برای همیشه مقصود و هدف عطار از منظوم ساختن داستان شیخ صنعان در منطق‌الطیر و نیز مضامین اصلی و فرعی آن عمیقاً دریافته می‌شود.

پیشنهاد تحقیق

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان جهت عملی ساختن روش مورد نظر، یعنی تحلیل مضمون، به عنوان یک رویکرد در آموزش متون زبان و ادبیات فارسی دو پیشنهاد پژوهشی و کاربردی ارائه داد:

پیشنهاد پژوهشی: از روش تحلیل مضمون داستان فرعی شیخ صنعان، به عنوان یک رویکرد، در راستای تحلیل و تبیین مفاهیم و مقاصد سایر متون منظوم و منثور استفاده گردد. پیشنهاد کاربردی: استادان، کارگاه‌هایی برای آشنایی دانشجویان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی با تحلیل متون ادب فارسی، برگزار کنند تا هم عملاً با روش تحقیق شوند هم به نوعی امر آموزش تسهیل گردد.

منابع

قرآن کریم (۱۹۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: پیام عدالت.

- آتش سودا، محمدعلی (۱۳۹۱). «تحلیل رمزشناختی داستان شیخ صنعان». بوستان ادب، سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲).
- احمدبیگی، آرزو (۱۳۹۲). «شخصیت‌پردازی در داستان شیخ صنعان». فصلنامه علمی درّ دری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، سال سوم، شماره ۸، صص ۷-۲۰.
- احمدی رکن‌آبادی، عصمت و همکاران (۱۴۰۰). «عقبات و دشواری‌های سلوک عرفانی در قصاید سنایی». فصلنامه علمی عرفان‌اسلامی، سال ۱۷، شماره ۶۷، صص ۲۰۶-۲۲۲.
- بخت آزمای بناب، محمد و حجت منتظرخراسان (۱۳۹۶). «بررسی روش تحلیل مضمون در تحقیقات با رویکرد کیفی». سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع، تهران. <https://civilica.com/doc/757021>
- برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره کارشناسی پیوسته. مصوب جلسه ۲۴۶ گروه هماهنگی برنامه ریزی تربیت معلم مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۰
- <https://cfu.ac.ir/file/2/attach2021024286444330582962.pdf>
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۲). دیدار با سیمرغ. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رشیدالدین میبدی، ابوالفضل (۱۳۸۲). کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت. ج ۱۰، تهران: امیرکبیر.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۵). «تأویلی دیگر از حکایت شیخ صنعان». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۳.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۶). نه شرقی نه غربی، انسانی: مجموعه مقالات. تهران: امیرکبیر.
- شیخ صدوق، ابن بابویه. عیون اخبار الرضا(ع) ج ۱: ۷۹. کتابخانه مدرسه فقاها: <https://lib.eshia.ir/14032>.
- صفایی، علیرضا (۱۳۸۰). توبه از دیدگاه قرآن و حدیث. تهران: نورالعطیه.
- طباطبایی، سیدمهدی (۱۳۸۷). «قصه گوی حق» (نقد و تحلیلی بر داستان‌پردازی عطار با محوریت داستان شیخ صنعان). اطلاعات حکمت و معرفت، سال سوم، شماره ۱ صص ۲۳-۲۶.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی» اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه‌مدیریت). (۲)۵، پیاپی ۱۰، ۱۹۸-۱۵۱.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۹۲). منطق‌الطیر. به تصحیح و شرح محمدرضا شفیعی‌کدکنی. تهران: سخن.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۹۲). منطق‌الطیر. به تصحیح و توضیح محمود عابدی و تقی پورنامداریان. تهران: سمت.
- مسگرزاد، جلیل (۱۳۷۳). «تحلیل داستان شیخ صنعان». مجله آشنا، سال سوم مهر و آبان شماره ۱۹.
- مسلمی، ناهید و خنیفر، حسین (۱۳۹۸). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. ج ۱. تهران: نگاه دانش.
- مکسول، جوزف ا (۱۳۹۷). روش تحقیق کیفی. ترجمه حسین بزرگیان و صدیقه فلاح پور. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- وحدانی‌فر، امید و صفورا انتظاری (۱۴۰۱). «تحلیل استعاره‌های مفهومی «عشق» در حکایت شیخ صنعان». فصلنامه علمی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. س ۱۸، ش ۶۸، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۳۱-۲۶۲.

Attride-Stirling, j. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. Qualitative Research. Vol. 1. No 3.

